

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

پنجشنبه ۰۶ اگست ۲۰۲۶

تهیه، تدوین و ترجمه: فریده نوری

۲۰۲۶ - سال همه خطر ها برای تاجکستان

منبع: مجله دیپلوماسی (DIPLOMATIE)

No : ۱۳۹

نویسنده : Didier Chaudet

تاریخ نشر: می - جون ۲۰۲۶

زمانی که از جیوپولیتیک آسیای مرکزی حرف می زنیم، تمایل بر این است

که اکثراً کشور های فارسی زبان منطقه را فراموش می کنیم:

در سال ۲۰۲۶ تاجکستان از بسیاری جهات به نظر می رسد که در مسیر تحولات سیاسی و امنیتی

قرار دارد که می تواند عواقب قابل توجه برای بقیه مناطق داشته باشد

درک و فهم تاجکستان از ورای تاریخ آن:

برای مطالعه و دانستن تاجکستان امروزی به صورت درست، باید گذشته آن و همچنان تعبیر و تفسیر رسمی آن را در نظر گرفت. به گفته دوشنبه، تاجک ها خود را قدیمی ترین باشندگان آسیای مرکزی، در مقابل دیگر ساکنان منطقه می دانند، و چنین استنباط می شود که ترک زبانان بعداً منطقه را اشغال کردند.

این صحبت یا سخنرانی در ابتدا محصول مطالعات شرق شناسان روسی بود، بعد از آن نتیجه سیاست شوروی است که واقعیت های تاریخی را، مانند همزیستی، تداخل ها و دو زبانی را در منطقه نادیده گرفت.

از همه جهات خلق نمودن یک قلمرو متفاوت توسط شوروی ها بود که حالا تبدیل شده است به ملی گرایی معاصر تاجک ها.

در داخل این چهارچوب و یا این چوکات تاجک ها عمیقاً از احساس ملی نو پیدا شده خویش به دلیل رد پیوستن قلمروی که به نظر شان به آن ها تعلق داشت، نا امید شدند: مانند سمرقند، بخارا و ولایت سورخان - دریا (که همه آن ها به صورت اداری به ازبکستان فعلی تعلق دارند)، و این بیشتر به دلایل جیوپولیتیکی و سیاسی مربوط می شود، تا ملی.

از همین دوره به بعد گفته می توانیم که تاجک ها تحت تأثیر بازیگران خارجی، ملی گرایی شان را به گونه ناقص و تضعیف شده تجربه می کنند که در نزد شان احساس انزوا را تقویت می کند. شخصیت نامکمل آنان این وضاحت را نشان می دهد که آنان به طور کامل نتوانستند یک جمعیت یا مردمی را که بین یک غرور فرهنگی- تاریخی بزرگ و فراملی و هویت های محلی در کشمکش بودند، قانع بسازند. این یک واقعیت گذشته بسیار نزدیک را توضیح می دهد که مخصوصاً بالای تاجکستان معاصر سنگینی می کند که عبارت است از جنگ داخلی که از همان سال های اول استقلال (۱۹۹۲ - ۱۹۹۷) درگرفت.

یک دید سطحی به این معضله، ماهیت ایدئولوژیک آنرا بیش از حد و یا مبالغه آمیز ارزیابی می کند. به صورت تیوری یا نظری اسلام گرایان یا یک ائتلاف «islamo- démocrate» را در مخالفت با جناح محافظه کار postsoviétique (که بعضاً به آن ها «néo-communiste») گفته می شود، قرار می دهد.

ما زمانی به واقعیت بیشتر نزدیک می شویم که جنگ داخلی تاجک ها را مانند محصول یک محلی گرایی (Localisme) که توسط سیستم شوروی ایجاد شده بود، یعنی جمع آوری زمین ها، بیجا نمودن مردم و تحقیر نخبگان جمهوری سوسیالیستی تاجکستان شکل گرفته است، در نظر بگیریم. این نشان دهنده رقابت بین گروه های محلی برای دسترسی به منابع و قدرت می باشد. حمایت مالی که از مسکو می آمد و بعد از سقوط شوروی از دست رفت، در نتیجه کشمکش ها بین هویت های محلی که قبلاً هم وجود داشتند، تشدید گردید.

علاوه نمودن یک ضعف کشنده و مهلک به کشوری که، تازه آزاد شده است: نخبگان ایکه بین قدرت سیاسی که توسط لینن گراد (در ولایت Soghd- سغد در شمال) کنترل می شد و قوای امنیتی که تحت کنترل پامیری ها بود، تقسیم شده بودند. جنگ داخلی به دور دو ائتلاف محافظه کاران و شورشیان تشکیل گردید.

محافظه کاران در واقع یک اتحاد بین لینن گراد و کولابی ها بودند (کولاب یک ولایت در سرحد افغانستان). این نزدیکی در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق تشکیل شده بود. لینن آباد می خواست

پایگاه سیاسی خود را وسعت بدهد. در زمان جنگ های داخلی کولابی ها بالای حکومت مرکزی سلطه داشتند و یکی از آن ها امام علی رحمان رئیس جمهور گردید.

در مقابل آن ها یک ائتلاف شورشی بین غازی ها (Gharmis) که عبارت از جمعیتی ست که تا اندازه به جنوب - غرب منتقل شده بودند و دسترسی به قدرت نداشتند و تحت تاثیر سخنان اسلامگرایانه، و پامیری ها و اسمعیلی ها که در بدخشان - بالا (Haut-Badakhchan) (شرق تاجکستان) که غیر مذهبی (Laïcisé) بودند (عقیده به دین داشتند، اما عملی نکردند) قرار داشتند. نباید خشونت بزرگ این جنگ داخلی را که می خواستند جمعیت طرف مقابل را کاملاً از بین ببرند، دست کم گرفت.

این برای ما توضیح می دهد دلیلی را که چرا یک اعشاریه پنج ملیون تاجک در جریان جنگ ها در کشور آواره شدند، و ۶۰۰۰۰۰ نفر به افغانستان فرار کردند، کشور همسایه که خودش نیز در آن زمان به جنگ های داخلی گرفتار بود. در مورد کشته شدگان، ارقام بین ۳۵۰۰۰ و ۱۵۷۰۰۰ تخمین زده می شود.

امروز تاجکستان یک کشور کوهستانی کوچک و محصور به خشکه است، و نفوس آن به ۹۶، ۱۰ میلیون نفر در فبروری ۲۰۲۶ میرسید، و از محدودیت هائی که در گذشته توسط شوروی بر این کشور تحمیل شده بود، ناراضی می باشد.

تاجکستان فقیرترین کشور آسیای مرکزی است و میراث یک جنگ داخلی که خاطره اش هنوز هم ذهن ها را شرمنده می سازد.

یک رژیم سلطنتی که از مسائل ایران و افغانستان نگران است:

در جواب به این داستان پیچیده، رئیس جمهور بعد از سال ۱۹۹۷ در واقع یک رژیم "سلطنتی"، یعنی در یک منطق استبدادی بدون ایدیولوژی واقعی را تأسیس نمود، که توسط قدرت مطلق شخصی که در رأس دولت قرار دارد، کنترل می شود. این نوع رژیم با ترس، فساد، از بین بردن هر نوع رقابت وظیفه اجرا می کند، اما پایگاه حمایتی وی با گذر زمان کاهش می یابد، و سلطه گری یا حاکمیت خانوادگی را ترجیح می دهد.

با این دید که هدفش تقویت قدرت شخصی خودش است، رئیس جمهور تاجکستان همه امکانات را که برایش اجازه می داد و برای عملیه صلح با مخالفان آماده ساخته بود، ویران نمود.

رئیس جمهور تاجکستان، مخصوصاً در سال ۲۰۱۵ حزب اصلی مخالف یعنی حزب اسلامیست را غیر قانونی اعلان نمود و با بوجود آمدن هر نوع جاگزین (alternative)، چه از مخالفین و چه از اطرافیان خودش مخالفت نمود.

از سال ۲۰۱۶ انتخاب رژیم "سلطنتی" به نتیجه منطقی خود رسید: که عبارت بود از انتقال قدرت از رحمان امامعلی به پسرش رستم امامعلی.

در سال های اخیر، آماده سازی برای این انتقال به این معنی بود که بازیگران تأثیر گذار در داخل رژیم را هدف قرار بدهد، زیرا امکان داشت در مقابل این انتقال قدرت، مخالفت و دشمنی نشان بدهند: در ابتدا در تابستان سال ۲۰۲۴ یک تعداد را به اتهام کودتا، که عبارت از شخصیت هایی بودند که از سال ۱۹۹۲ به خاندان رئیس جمهور وفادار بودند، دستگیر نمود. سپس تغییرات مهم که تا به این اواخر دوام داشت، صورت گرفت.

در واقع در جنوری سال ۲۰۲۶، تغییرات در وزارت خانه های عدلیه، امور خارجه، دفاع، ستره محکمه، گارد ملی و قوای محافظت سرحدات اعلان گردید.

حتی دوشنبه در ماه های فبروری - مارچ، سال ۲۰۲۵ تصمیم گرفت که هزاران هکتار زمین را در سرحد با قرغزستان به آنکشور واگذار کند تا هر چه زودتر اختلافات سرحدی فرغانه را که سبب درگیری های مسلحانه در سال های ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲ گردیده بود، خاموش سازد.

می توانیم این انتخاب سیاسی را به حیث یک ثبات ستراتیژیک کشور در طولانی مدت و حتی بعد از فوت امام علی رحمان تلقی نمود.

اگر فراتر از تمایل تسلط سیاسی فکر کنیم، رئیس جمهور در جنگ های داخلی موفق شد، شاید تنها راه ثبات و جلوگیری از بازگشت ناآرامی های گذشته را مربوط به انتقال دومانی می داند.

لاکن در شروع سال ۲۰۲۶ دو منبع پریشانی خاص برای دوشنبه وجود دارد: افغانستان و ایران.

روابط با افغانستان:

تاجکستان با افغانستان یک سرحد ۱۳۵۷ کیلومتری دارد که امروز هم به عنوان یک سرحد نفوذ پذیر بوده، در واقع از چندین دهه به این طرف به چشم یک عامل بی ثباتی شناخته شده است. با دوباره به قدرت رسیدن طالبان در ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱، دوشنبه با تهدید امنیتی قابل توجهی از طرف همسایه جنوبی اش مواجه است. از طرف دیگر دولت اسلامی خراسان نیز وجود دارد که رژیم رئیس جمهور رحمان را به چشم یک دشمن می بیند که باید از بین برداشته شود.

چیزیکه جالب است، این است که دولت اسلامی خراسان برای به راه انداختن حملات تروریستی خود تاجک ها را از منطقه جذب نموده است، مانند حملات مشهور که توسط آن ها انجام داده شد، در کرمان (ایران) و مسکو: در ۳ جنوری و ۲۲ مارچ ۲۰۲۴.

بیشتر و بصورت وسیع ناامنی به یک واقعیت در سرحد بین افغانستان و تاجکستان تبدیل شده است: نفوذ خشونت آمیز تروریست ها و قاچاقبران مواد مخدر در اواخر سال ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ سبب گردید تا سازمان پیمان امنیت جمعی (l'organisation du traité de sécurité collective) (OTSC) در فبروری ۲۰۲۶، مسلح ساختن قوای محافظت سرحدی را بپذیرد.

مشکل فراتر، پیچیدگی روابط بین کابل و دوشنبه است. چنین به نظر می رسد که نیرو های که بر علیه تاجکستان عمل می کنند، در خاک افغانستان عمل شان بدون مجازات می ماند.

روابط با ایران:

در مورد ایران قرار بود در اوایل سال ۲۰۲۶، ایران یک چانس باشد برای تاجکستان، که در حال آماده شدن در گذار سیاسی خود بود. تصاویری از یک "نندارتون یا Forum ایران - تاجکستان برای تجارت، سرمایه گذاری اقتصادی و سیاحت" در شهر دوشنبه، که امکان ملاقات به سطح بلند بین رؤسای جمهور، رحمان و پزشکیان را برای پانزدهم جنوری آماده می ساخت، و احساس یک رابطه آرام بین دو کشور را مژده می داد. این ملاقات ادامه یک مژده خیرخواهانه را می داد که در روابط دو جانبه بین این دو کشور که از سال ۲۰۱۹ آغاز شده بود، توسعه می داد.

اگر قبلاً کشمکش ها بین رژیم دوشنبه و جمهوری اسلامی ایران موجود بود، اولی در مورد موضع گرفتن ایدئولوژی، دومی مشکوک بود.

واقعیت های جیوپولیتیکی همه چیز را تغییر داد: برای رژیم ایران ترس در انزوا قرار گرفتن، برای رئیس جمهور ترمپ توافق هسته یی ایران در سال ۲۰۱۸، برای تاجک ها ترس از وابستگی اقتصادی بیش از حد با روسیه، که یک منبع یا فکتور ثبات برای رژیم محسوب نمی شود.

افتتاح فابریکه درون (طیارات بدون پیلوت) سازی در دوشنبه راه را برای مشارکت بیشتر با ایران برای امنیت تاجکستان باز می کرد، حمایت بسیار مفید در مقابل یک افغانستان مشکل آفرین.

معلوماتار امید هائی که به اساس این نزدیک شدن ها شکل گرفته بودند، تحت بمباران های اسرائیل - امریکا از بین رفتند و در مقابل آن اوضاع و احوال که از حیطة قدرت تاجکستان بیرون است، هیچ نوع توانایی و نفوذی وجود ندارد.

رژیم تاجکستان در اول مارچ ۲۰۲۶ یک بیانیه کوتاه برای دعوت به آرامش و مذاکره منتشر کرد. به همه حال رئیس جمهور رحمان جرأت کرده و به رئیس جمهور پزشکیان از جهت مرگ علی خامنه ئی پیام تسلیت فرستاد. برخلاف تحلیل غربی ها که جمهوری اسلامی را محکوم شده می بینند، رهبر آسیای مرکزی آینده را تاریک نمی بیند. از طرف دیگر نباید خطر بی ثباتی که تاجکستان را در سال ۲۰۲۶ تهدید می کند، نادیده گرفت، همه چیز بستگی به رئیس جمهور بعدی تاجکستان دارد، اما نتیجه عاقبت جنگ ایران در طویل المدت واضح نیست.